

بنام خداوندی که دارد حضور

بداد عقل و خرد فهم و شعور

بداعزل تیر خلدص



مهدی جودوی (سپنتا)



انتشارات صباي الوند

تهران ۱۴۰۳

سرشناسه	: جودوی، مهدی، ۱۳۳۵
عنوان و نام پدیدآور	: بلاعزل تیر خلاص/ مهدی جودوی (سپنتا)
مشخصات نشر	: تهران: صبای الوند، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ص
شابک	: 978622-4882-02-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۵، داستان‌های حقوقی فارسی - قرن ۱۵
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۳۹
رده بندی دیویی	: ۸۳۱۶/۲۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۷۳۱۸۱



انتشارات صبای الوند

▪ نام کتاب: بلاعزل تیر خلاص (داستان واقعی روند یک پرونده قضایی)

▪ ناشر : صبای الوند

▪ نویسنده : مهدی جودوی (سپنتا)

▪ حروفچین : فرشته نصراله‌ای

▪ صفحه‌آرا : پروانه نصراله‌ای

▪ چاپ اول : ۱۴۰۳

▪ شمارگان : ۲۰۰ نسخه

▪ چاپ : پیشگامان

▪ بها : ۱۲۰ هزار تومان

ISBN: 978-622-4882-02-8

▪ شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۸۲-۰۲-۸

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر صبای الوند محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر روش بدون

مجوز کتبی از ناشر ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

نشر صبای الوند: تهران، شریعتی، خیابان سمیه، کوچه طباطبایی مقدم بن بست بهار پلاک ۶

تلفن - ۷۷۶۵۴۵۲۱

پست الکترونیکی:

Sabayealvand@yahoo.com

Sababook1400@gmail.com

مقدمه

نقشی از تابلوی گذشته

با آغاز رستاخیز طبیعت فروردین در خانه ساده پدری حیاط مصفا حوض آبی رنگ همچون برادران و خواهران با بلعیدن شیره جان مادر چشم به جهان گشودم، به وقت تحصیل علم برای شکوفایی ذهن چوب معلم سوزن‌های واکسن برای سلامتی جسم در مدرسه مهیا، مهر و محبت و ایثار در خانه، بازی با رفقا دوستی‌های راستین در حد فدا کردن سر و جان در کوچه، راه راست با نام طبیعت و هدایت در خیابان، میوه‌های گوارا گل‌های یاس آویزان از دیوار همراه با نوای پرندگان خوش خوان در اطراف شهر، فرش گل‌های لاله در کوه و دشت برق ماسه و صدف در ساحل امواج هم چون گهواره در دریا همراه نقش ماه روی آب به زلالی اشک چشم سر سبزی و طراوت مناظر رویایی با نسیم فره بخش در جنگل.

نقشی از تابلوی آموزه‌های معلم روزگار

گشته پدر با ثروت معنوی همسر و دو فرزند در حسرت نبود پدر و مادر و دور افتادن از خواهر و برادر، خانه محو در غبار چه کنم چه خواهد شد کجایی رفیقم مانده بی‌رفیق کوچه، می‌آموزد با تلخی جان معلم روزگار خیابان یکطرفه با نام شهادت، دریا از کوچه باغ در اطراف شهر، کوه و دشت دریا و جنگل بی نمود، مردمان ظاهر انسان حرکات رباط گونه غریبه‌های آشنا، احساس دوگانگی وجودم با رفتار غربتی نیمه اول با دگر نیمه، ظهور بلوغ بدون رشد نا آشنا محیط زندگی بدون درکی از معلم، در تضاد با قوانین قسمتی از ضمیر خود آگاه و ناخود آگاه در تاریکی بدون تشخیص اتفاقات پیش آمده با واقعیت یا حقیقت موانع پیش رو را با احساس از میان برداشتن عاجز بودن از دلیل این همه نا هم گونی کمتر نتیجه مطلوب غایب گشتن از بیشتر فکر کردن دشواری برای به باور رسیدن سیر افکار در جستجوی گذشته و القا حس آرامش از تجسم آن در سیلان بودن چراهای بسیار در ذهن گستردگی آنچه در زندگی در حال وقوع می‌باشد بدون معیار برای اندازه‌گیری متفاوت فکر کردن یک در هزار آنچه عینیت دارد در گذشته، گسترش نیاز به مراقبت از خود و خانواده، در اختیار نبودن وسایل آنچنانی و بدون آمادگی برخورد با آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی بروز افکار خلاقانه از خود بکار نیامدن تجربه پنج دهه گذشته، زندگی مانند نوزاد برطرف کردن تمام موانع پیش رو با سامانه احساسی پنجگانه لامسه و علایق و درد را با گریه استوار گردیدن معیارها بر پایه و اصول اعتقادی حس ستایش‌گری

کردن بروز احساس عشق، محبت، احترام، حس شادی و سلامت و هر آنچه احساس خوب که می‌تواند باشد در حقیقت تلاش برای نزدیک و نزدیک‌تر شدن به هسته مرکزی خوبی و خوشی و سلامت.

مهدی جودوی (سینتا)